

سالیوچن

فن سنتی ایرانی و تاریخی
سازی و نمایش

حمیدرضا اردستانی رستمی

مانس و مانویت

نکاح
نشر نکاح معاصر

مانه و مانویت

نگاه
نشرنگاه معاصر

هفت گفتار
در تأثیرپذیری‌ها
و تأثیرگذاری‌های
کیش مانی

حمیدرضا اردستانی رستمی

مانی و مانویت (هفت گفتار در تأثیرپذیری‌ها و تأثیرگذاری‌های کیش مانی)

ترجمه: حمیدرضا اردستانی رستمی

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسم الرسام

حروفچینی و صفحه‌آرایی: طاهره شامانیان

طرح رویی جلد: المیرا عبدالهیان

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: پیکان

نوبت چاپ: یکم، ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۵۰

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۹۰-۰۶۹-۴

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

وضعيت فهرست‌نویسی

یادداشت

عنوان دیگر

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیوبی

شماره کتاب‌شناسی ملی:

اطلاعات رکورد

Maichaeism-Addresses, essays, Lectures

.BT۱۴۱۰

.۲۹۹/۹۳۲

.۸۴۸۷۱۰۵

نشانی: تهران - مینی سیتی - شهرک محلاتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۲۸ - واحد ۲ شرقی.

تلفن: ۰۲۲۴۴۸۴۱۹، پست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

اینستاگرام: nashr_negahemoaser

»... من آن‌ها را نوشت‌هایم

[در] کتاب‌های [روشنایی‌ام]: در انجیل بزرگ و [در] گنج زندگی
در رساله، یکی از رازها؛
دست‌نوشته‌ای که من از برای پارتیان نگاشته‌ام و نیز در تمامی
نامه‌ها، مزامیر و نیایش‌ها؛ چرا که [این سه]
کلام، میزان حکمت‌اند. تمامی آن‌چه [رُخ داده] است
و [رُخ خواهد] داد در آن‌ها نوشته شده است. می‌توان تمیز بخشید
... و این که به واسطه آن‌ها می‌شناسند...» (مقدمه کفلا یا).

گفتار‌نما

۹	پیش‌گفتار
۱۳	جستار نخست: حماسه ایرانی و کتاب غولان مانوی
	پرادرز اکتُور شروو
۶۱	جستار دوم: بازتاب سُنت‌های شفاهی ایرانی در ادبیات مانوی
	پرادرز اوکتُور شروو
۸۵	جستار سوم: حماسه گیل گمش و مضامین مانوی آن
	استفانی دالی
۱۲۵	جستار چهارم: از مانی تا مزدک (برخی آرا درباره «زنديگ» در فارسي ميانه)
	تورج دريابي
۱۳۹	جستار پنجم: مانستان و خانقاہ
	بو اوتس
۱۵۹	جستار ششم: حاكمیت عیسی در آخرالزمان، یک سند مانوی تازه
	و زنر زوندرمان
۱۷۳	جستار هفتم: ستایش و آفرین بر تو باد
	انریکو مورانو

پیش‌گفتار

جستارهایی که پیش روی خواننده گرامی قرار گرفته است، ترجمه مقالاتی است از ایران‌شناسان بر جسته که عمر خود را صرف شناخت ایران و شناساندن فرهنگ ایرانی کرده‌اند. این جستارها را پیش‌تر، در سال‌های نه‌چندان دور، آن‌گاه که در دوره کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی در دانش‌گاه شهید بهشتی، مشغول به تحصیل بودم، به واسطه نگارش پایان‌نامه‌ام که در پیوند با متن‌های مانوی بود، ترجمه کردم.

جستار نخست در این مجموعه، «حماسه ایرانی و کتاب غولان مانوی» نام دارد و اثری است از پراذرْ اکْتُور شروو. او در این جستار، آن‌چنان که خود توضیح می‌دهد، به بررسی پیوند میان سُنتِ حماسی کهن ایرانی و کتاب غولان مانی پرداخته است. از دید او، روایتِ حماسی - اسطوره‌ای و داستان‌های پُرآوازه گذشته درباره سرچشمۀ جهان و انسان، تا اندازه‌ای در اسطوره مانی و مُبلغان مانوی گنجانده شده و با سُنت‌های اسطوره‌ای و در پیوند با کتاب مقدس درباره غولان و طوفان برآمیخته است. مانی اسطوره‌های ایرانی را دگرگون کرده است تا با روایتِ خویش از پیدایش گیتی هم‌آهنگی یابد. او همه قطعه‌های ادبی بازمانده از مانی را که در بردارنده اشاره‌هایی به سُنتِ حماسی ایران است، برای آسانی کار در این جستار گرد آورده است.

جستار دوم هم متعلق است به پراذرْ اکْتُور شروو با نام «بازتاب سُنت‌های شفاهی ایرانی در ادبیات مانوی». آن‌چنان که از عنوان مقاله برمی‌آید، شروو بر این باور است که مانویان، مواد ادبی خود را از سُنت‌های ایرانی پیش از خود

فرا گرفته‌اند و آن را در متن‌های خود به کار بُرده‌اند. او این فرضیه را مطرح می‌کند که از آنجایی که احتمالاً بیش‌تر ادبیات ایرانی تا پیش از قرن سوم اصلاً مکتوب نشده بوده است، مانوی‌ها این مضامین ادبی را از طریق سُنت‌های شفاهی ایرانی گرفته‌اند.

جستار سوم با نام « Hammāsah Gilīgīmsh ۲ و مضامین مانوی آن » از آن استفانی دالی است. او در این جستار می‌کوشد تا حماسه گیل‌گمش را به عنوان خاستگاه برخی باورهای موجود در کیش مانی معرفی کند و وامداری مانویان را به این اثر نشان دهد که در پیرامون زادگاه مانی شکل گرفته است.

در جستار چهارم که «از مانی تا مزدک (برخی آرا درباره زندیگ در فارسی میانه)» نام گرفته و نوشتۀ تورج دریایی است، درباره اصطلاح زندیگ و ریشه آن (که در پیوند با گروه‌هایی در دوره ساسانی و اوایل عصر اسلامی، از جمله مانویان، مفسران اوسنا و ملحدان است)، بحث شده است. به نظرِ دریایی، در آغاز این واژه به مانوی‌ها، سپس به مزدکی‌ها و پس از آن در اواخر عصر ساسانی و اوایل دوران اسلامی، به ملحدان اطلاق شده است.

جستار پنجم «مانستان و خانقاہ» نام دارد. نویسنده این جستار، بو اوتاس، می‌کوشد تا در آن مناسبات و پیوندِ خانقاہ/خانگاه صوفیان در دوره اسلامی را با مانستان‌های مانوی بسنجد. او ریشه لغوی مانستان و خانگاه را یکی می‌داند و میان کرامیان سمرقند در قرن چهارم هجری که خانقاہنشین هستند با سپیدجامگان زندیگ در ورارود پیوند می‌بیند.

جستار ششم هم از آن وربر زوندرمان است با نام « حاکمیت عیسی در آخرالزمان، یک سند مانوی تازه (برگه‌های ۱۳-۱۴) ». او در این جستار می‌کوشد تا نشان دهد مدت‌زمان چهارصد ساله حکومت آخرالزمانی مسیح که در آثاری چون غزل‌های سلیمان، مکاففاتِ اخنوخ، مکاففاتِ باروخ و کتاب چهارم عزرا آمده، به مانویت و متن‌های مانوی چون شاپورگان و اندرزی درباره جنگ بزرگ و دیگر آثار مانوی راه یافته است.

جستار هفتم هم عنوان « ستایش و آفرین بر تو باد » بر خود دارد که از یک مورانو آن را نوشته است. در این جستار، او با توجه به سه نسخه پارتی M80

M40 و M79 و با در نظر داشتن دست‌نویس سُعدی Mainz 412 را که درباره آفرین بزرگان (Wuzurgān Āfrīwan) است و با عنوان «st'w'd» 'yy tw 'fryd» (ستایش و آفرین‌شده‌ای تو)، بازسازی و ویرایش کرده است.

پس از سال‌ها، اکنون این مجموعه را در اینجا گرد آوردم که به همتِ دوستِ بزرگوار، جنابِ آقایِ اکبر قنبری، مدیرِ نشرِ نگاهِ معاصر، انتشار می‌باید. از ایشان سپاس‌گزاری می‌کنم که همچون گذشته، انتشار این اثرِ ناچیز را پذیرفته‌اند و بنده را رهین لطف و مهربانی خویش قرار دادند. برای ایشان که همه زندگی خود را صرفِ کتاب و نشرِ کتاب کرده‌اند (بی‌آن که به سودِ مادی آن بیندیشند) و به گسترش فرهنگ کوشیده و می‌کوشند، از ایزدِ پاک پیروزی و بدرودی می‌خواهم. همچنین، وظیفه خویش می‌دانم دوستان فرهیخته خود: مسعود یوسف حصیرچیان، سید عزیز روبدنی و دکتر داود خزایی را سپاس گزارم که یاری خود را از بنده، در ترجمه این جستارها دریغ نداشتند و هیچ پرسشی بنده را بی‌پاسخ نگذاشتند. به ویژه در اینجا باید از دکتر داود خزایی یاد کنم که جستار پنجم (مانستان و خانقه)، کاملاً به یاری و همراهی ایشان ترجمه شده است و در آن سهیم‌اند. دیگر بار یاری همه دوستان را سپاس می‌گزارم و برای همگی از درگاه یزدان، نیکی و پدرودی می‌خواهم.

حمیدرضا اردستانی رستمی

شانزدهم مهرماه ۱۴۰۰

جستار نخست

حمسه ایرانی و کتاب غولان مانوی*

پرادرز اکتور شورو

در این جستار به بررسی پیوند میان سنت حماسی کهن ایرانی و کتاب غولان مانی پرداخته‌ام. روایت حماسی - اسطوره‌ای و داستان‌های پُرآوازه گذشته درباره سرچشمۀ جهان و انسان، تا اندازه‌ای در اسطوره مانی و مبلغان مانوی گنجانده شده و با سنت‌های اسطوره‌ای و در پیوند با کتاب مقدس درباره غولان و طوفان برآمیخته است. مانی اسطوره‌های ایرانی را دگرگون کرده است تا با روایت خویش از پیدایش گیتی هم‌آهنگی یابد. همه قطعه‌های ادبی بازمانده از مانی که دربردارنده اشاره‌هایی به سنت حماسی ایران است، برای آسانی کار در اینجا گرد آمده است.

درآمد

روایت‌های اسطوره‌ای و سنت‌های ادبی شفاهی پُرآوازه ایرانی کهن که هسته مرکزی تاریخ «ملی» ایران را بنیان می‌نهد (Yarshater, 1983)، مانند کوه بخ بر روی اوستا شناور است؛ جایی که عناصر کلیدی با سرودهای مذهبی درباره ایزدان

* این جستار ترجمه‌ای است از مقاله پرادرز اکتور شورو (Prods Oktor Skjærvø) با عنوان: "Iranian Epic and the Manichean Book of Giants"

در:

برآمیخته است. جزئیات بهجامانده از روایتها را باید از آخرین متن‌های همانند در کتاب‌های پهلوی، نوشته شده در قرن نهم میلادی، تواریخ دوران اسلامی و کتاب فارسی شاهنامه، سروده فردوسی در سال هزار میلادی، فراهم کرد. دست‌کم میان متن‌های اوستایی و آخرین منابع، هزار سال فاصله هست (Davidson, 1994)؛ بنابراین، به طور طبیعی، روایتها دگرگون می‌شود و هرگونه کوششی برای جُداسازی و مرتب کردن لایه‌های قدیمی، کاری است دشوار؛ اگرچه میان این دو جریان در سُنت‌های ایرانی، دو منشاء مستقل وجود دارد: یکی گزارش‌هایی که نویسنده‌گان باستانی از باورهای ایرانی نگاشته‌اند؛ از هخامنشیان تا دوران ساسانی (بنگرید: Skjærvø, Irano-ManichaicaIV)؛ دیگر نوشته‌های مانویان^۱ است که کهن‌ترین آن‌ها به نیمة دوم قرن سوم پس از میلاد بازمی‌گردد (Skjærvø, Irano-ManichaicaII).

اسطوره بنیادها

بسیاری از ملت‌ها در ادبیات خویش، اسطوره‌هایی درباره خاستگاه و دوران نخستین تاریخ زندگی انسان دارند. در ایران، این اسطوره‌ها تا بخشی در متن‌ها و سرودهای مذهبی اوستایی و کتاب‌های پهلوی نگاهداری شده است؛ اما تا حدود هزار سال پس از میلاد، این مجموعه گردآوری و منسجم نشده بود تا این که شعر حماسی سروده شد و فردوسی کتاب شاهنامه را نگاشت. میان همسایگان هندواروپایی ایرانیان، هندوان اسطوره‌های اصیل را در مهابهارات گنجانده بودند که فصل نخست آن به پیدایش شخصیت‌ها و پهلوانان برجسته که در باقی کتاب نقش آفرینی می‌کنند، اختصاص داده شده است.

ما در آثار باستانی خاور نزدیک، آثاری مشابه می‌یابیم. برای نمونه حماسه اصیل گیل‌گمش سومری، اسطوره خلقت بابلی‌ها، انوما الیش (Enûma eliš) و داستان طوفان بابل، آتره‌خسیس (Atra-Hasis). نویسنده‌گان و گردآورنده‌گان کتاب‌های نخستین عهد عتیق از نسخه محلی داستان‌ها استفاده کردند؛ اما همه مواد آن را

لحاظ نمی‌داشتند؛ بنابراین، برخی از آن‌ها صرفاً در روایت‌های مؤخر حفظ شده است، برای نمونه آپوکریفا (Apocrypha).

حمسه‌های ایرانی: سلسله‌نسل‌ها

اوستا ما را با سلسله‌نژاد پهلوانان روبه‌رو می‌کند.^۲ اوستا به سه دوره اصلی تقسیم می‌شود: آفرینش، دوره پیش از پهلوانان اسطوره‌ای کیانی و دوره کی و شتابس که در زمان او زردشت دینی تازه آورد. در سنت بعدی، این دوره به دوران تاریخی می‌پیوندد که طبق اوستا دوره و شتابس یا همان پدر بزرگ داریوش، پادشاه هخامنشی، است.

از آن روی که خواننده بتواند بحث را بهتر پی بگیرد، در اینجا نام‌های اوستایی و فارسی میانه و فارسی نو نقش آفرینان بزرگ در سنت حمسی با برخی از نقش‌های عُمده آنان را با یک‌دیگر می‌آوریم (بنگرید: Christensen, 1918, 1932):

دوره آفرینش		
فارسی نو	فارسی میانه	اوستایی
گیومرت: نَخْسَتِين انسان غول‌بیکر	Gayōmard	^۱ Gaiia Marətan
مشی و مشیانه: نَخْسَتِين جفت انسانی.	^۲ Mašī+Mašiyānī	
سیامک: پسر آنان.	^۳ Syāmag	
دوران پهلوانی پیشاکیانی		
هوشنگ: نَخْسَتِين قانون گذار در گیتی.	Hōšang	Haošiiaŋha
طهمورث: سوار بر اسب تازنده، بر میوی اهریمنی چیره شد و تا پایان جهان تاخت.	Tahmūraf	Taxma Urupa
جمشید: انسان را از نابودی رهاند؛ گونه‌ای قانون گذارنده.	Jam (xšēd)	Yima (Xšaēta)
ضحاک: غول ازدها / شاه.	Aždahāg	Aži Dahāka
فریدون: ^۴ کُشتنده ضحاک و نَخْسَتِین درمان کننده	Frēdōn	Θraētaona ī Āθōβī

گرشاسپ: کُشندۀ آزدَهَا؛ به خون خواهی برادرش، ارواحشیه (Uruuāxšaiia) از هیتااسب (Hitāspa) کینه کشید.	Karisāsp	Kerəsāspa
دوران کیانیان		
افراسیاب تورانی: دشمن سرزمین‌های آریایی در دوران کیانی.	Frāsyāw	Fraŋrasian
کی قباد	Kay Kawād	^Kauui Kuuāta
کی کاووس/کایوس: پدر سیاوش.	Kay Us	^Kauui Usan
کی سیاوش: هم‌سر کی کاووس بدو آتهام زد و به دست یکی از پادشاهان تورانی کشته شد.	Kay Siyāwa(x)š	Kauui Siiāuuaršan
کی خسرو: انتقام خون پدرش، سیاوش، را گرفت.	Kay Husraww	Kauui Haorauuh
از هنگام آمدن دین		
زردشت	Zarauštra	Zardu(x)št
کی گشتاسب/وشتاسب: یاری گری زردشت.	Kay Wištāsp	Kauui Vištāspa
زیر: برادر وشتاسب.	Zairiuuairi	Zarēr/Zarwar
جاماسب: رای زن وشتاسب.	Jāmāsp	Jāmāspa
ارجاسپ: دشمن وشتاسب.	Arzāsp	Arəjāt.aspa
اسفندیار: پسر وشتاسب.	Spandyād	Spəntōðāta
بهمن: پسر اسفندیار. با اردشیر سوم هخامنشی سنجیده می‌شود.	Wahman	
همای: دختر وشتاسب یا دختر و همسر بهمن، مادر دارا.	Humāy	Humājiā

از میان این نام‌ها، Yima و Θrita (Yima و Θrita) همانند هندی باستان دارند: (ریشه‌شناسی) Kavi و Trita Aptya (Yama و Kavi Ušanas) Kauui Usan (Kāvya) شخصیت‌هایی اسطوره‌ای هستند که در سنت‌های هندواروپایی دیگر یافت می‌شوند و بنابراین، بخشی از

اسطوره‌ها و داستان‌های کهن مردم هندواروپایی هستند (Dumézil, 1986: part 2). هنوز منشاء این شخصیت‌های باقی‌مانده [در اساطیر] در حال بررسی است.

طرح بنیادهای مانوی

باور مانی درباره خاستگاه انسان به شدت از روایت‌های کتاب مقدس و روایت‌هایی از کتاب آپوکریفا متأثر است، مانند کتاب اخنوخ (Enoch) و غولان که قطعه‌های به جامانده از آن در میان طومارهای بحرالمیّت پیدا شده است (بنگرید: Reeves, 1992). مانی در کتاب غولان، این روایتها را به ریختی دیگر درآورده است. آن‌گاه که نوشه‌هایی حماسی ایرانی در کتاب غولان وارد کردند. پی‌روانش، عناصری را از سُنت‌هایی حماسی ایرانی در کتاب غولان وارد کردند. احتمالاً در دیگر آثار او نیز این سُنت‌ها وارد شد؛ اما برخی نام‌های آرامی، هنوز در کنار نام‌های ایرانی، در روایت‌های ایرانی آن به جا مانده است.

موضوع کتاب غولان از گزارش آفرینش روایت‌های انگلی - توراتی (4: 1-2، 6: 1-2) گرفته شده است و درباره غولان و دختران انسان‌ها است (در نسخه شاه جیمز): «هنگامی که انسان‌ها بر روی زمین آغاز به تولید مثل کردند و از آن‌ها دخترانی زاده شد، پسران خداوند دختران آدمیان را دیدند که چقدر خوب‌روی هستند و از میان همه، آنان را به هم‌سری برگزیدند. ... در آن روز گاران، بر روی زمین غولانی بودند و هم‌چنین پس از آن، آن‌گاه که پسران خداوند، دختران آدمیان را از آن خویش کردند، فرزندانی از آنان زاده شد که مردانی توانا گشتند و در پیری پُرآوازه شدند».

به نظر می‌رسد اصطلاح *kaw* در متن‌های مانوی، بی‌هیچ تفاوتی، برای شخصیت‌های خیر و شر به کار بُرده می‌شود و در برخی متن‌ها، صرفاً به معنای «غول» است (Henning, 1943: 53-54). بیش‌تر به طور ویژه، این اصطلاح را به قدرت‌های تاریکی اطلاق می‌کنند. به عنوان نمونه *Mir. Man.iii, text n* (27-29 syzdyn z'wr'n kw'n rzmywzn 'st'nynd rwšn 'c hrw : d'md'd'n. d'md'd'n. «غول‌های قدرتمند و زورمند و رَزمْجُو که روشنایی را از همه

جان داران ستانده بودند» و *w'wd k'w' yr*، «نگاهبانان و غولان» (Henning, 1934: 29). سرانجام در این متن‌ها از غولان و موجوداتِ شریر/نجیلی - توراتی، یعنی *nepīlīm* نیز استفاده شده است که نوادگان خداوند و زنان آدمیان را به هم‌سری برگزیده‌اند. از این رو، نام ایرانی کتاب غولان مانی، کوان (*kāwān*) است.

مانی در این زمان، گیومرت (Gayōmard)، فارسی میانه: *Gēhmurd*^{۱۰} را با آدم یکی می‌گیرد و مشی (Mašī) را کنار می‌گذارد و مشیانه (Mašiyānī) را که فارسی میانه آن *Murdiyānag* است با حوا می‌شناساند. همچنین، او ممکن است آعقاب آن‌ها را با همانند ایرانی‌شان شناسانده باشد؛ اما در متن‌های موجود به این اشاره نشده است.

سلسله‌مراتب پیامبران

ممکن است مانی دوره حماسی پیشاکینیان و کیانی پیش از گشتاسب در متن‌های ایرانی را با دوره سرکردگان متعلق به پیش از طوفان نوح تطبیق داده باشد که برخی از آنان در فهرست پیامآوران پیش از مانی لحواظ شده‌اند (Smagina, 1992). در بخش نخست کفلایا، فهرست پیامبران عبارت است از: «از شیث، نخستین فرزند نرینه آدم تا اینوش (Enosh) و نیز از اخنوخ تا سام، فرزند نوح... دین پس آن گاه فرستاده شد... بودا به باختر و ارهنت (Aurentes) و دیگران... که به باختر فرستاده شده بودند. از پدیداری بودا و ارهنت تا ظهور زردشت به پارس، آن زمان که آمده است نزد شاه گشتاسب، از پدیداری زردشت تا تجلی عیسی مسیح...».

قطعه سعدی K (Henning, 1943: 71) گویا در بردارنده گزارشی از پیامبران در بافت کتاب غولان است:^{۱۱} متأسفانه، تنها عنوان آن به جا مانده است: [پدیداری] دین وی تا آدم و شیث».

این نکته را هنوز نمی‌دانیم که آیا متن‌های فارسی میانه را که هنینگ (1934: 27-29) منتشر کرده است، بخشی از همین متن است یا نه؟

(1) 'wd ps pd 'w'm 'w'm (2) hm w'xš ywjahr xwyš (3) wzrgyy pd dhyn 'y pdyšt'n (4) 'hyng'n wy'wrd 'y xwd hynd (5) Šyym Syym 'nwš Nkty'wys (6) d [...] 1 [...] 'wd Hwnwx °d' 'w (7) [...]m] 'zyndr'n 'wd bwd (8) [...]gr 'w twhm 'y (9) [...] c'wnyt'n 'š[nwd?...] (10) [...]rndyh [...] t[...]

«و از این پس به روزگاران روزگاران، همان کلام مقدس، بزرگی خود را اعلام داشت از دهان مردان پیشین، بیان شده‌اند که اینان هستند: شِم (Šēm)، سام، انوش، نیکوتؤئس (Nikotēwīs) و اخنوح، تا ... دورهٔ غولان مازندران و بوده‌اند از میان برندگان تبار ... همان گونه که شنیده‌اید...».

این فهرست هیچ کدام از شخصیت‌های انجیلی - توراتی را با پهلوانان ایرانی یکی نمی‌انگارد؛ اما ما در دوره‌های بعد، در سُنت‌های اسلامی - ایرانی چنین همسانی را می‌یابیم. افزون بر آن، طبری تقارن‌های زمانی را یاد کرده است. مطابق با یکی از آن، هوشنگ نواده نوح است؛ اما در یکی از روایت‌های دیگر، سلسله‌مراتب این گونه نوشته آمده است: گیومرت = آدم، مَشی = شیث، سیامک = اخنوح، کِنان (معادل ندارد)، هوشنگ = مَهالِل (Mahalaleel) (Christensen, 1918: 1/ 147-148, 159-160). دگرباره در فارس‌نامه گفته شده که هوشنگ پدر اخنوح / ادريس (Christensen, 1918: 2/170) است؛ در حالی که مطابق مجمل التواریخ و القصص، اخنوح (که به ادريس نیز شناخته می‌شود) در طول سلطنتِ هوشنگ از او یاد شده است. مطابق مروج الْذهب طهمورت خود نوح بوده است (Christensen, 1918: 2/ 210)؛ در حالی که طبق سخن حمزه اصفهانی و بیرونی، در دوران سلطنتِ او طوفانی بزرگ رُخ داده است (Christensen, 1918: 197, 199-200).

تنها نام ایرانی که در فهرست سلسله‌مراتبی مانوی یاد شده است، خود زردشت است که نشان می‌دهد برای مانی، زردشت پیامبرِ حقیقی بوده است؛ کسی که از خرد کیهانی یدو وحی شده است؛ همان خرد بزرگ که در منابع ایرانی «وَهَمَنْ» نامیده می‌شود و دینی حقیقی را پایه‌گذاری کرده است.

سلسله‌مراتب پیامبران شاید برخاسته از بُن‌مایه‌ای مانوی است. در هر حال، همانندی ایرانی در دین کرد هفتم (*Dēnkard* 7. 1: 43) دیده می‌شود:

(43) *ud anīz būd hēnd pēš az Zarduxšt waxšwar ī andar dēn mazdēsn a-guft nām, cē paydāg kū gāhīhā az mēnōyān and-ēw ò oy ī pēšōbāytar ōh mad. mardōhm pad xwāhišn ī pursišn ī hān tis ēdōn griftār būd hēnd čiyōn nūn pad xwāhišn pursišn ī dēn. ān zamānag ōh abāyīd nūn nē abāyēd cē har mardōhm pad dēn āgāh kard estēnd:*

«وَخُشُورَانِ دِيْگَرِي نِيزِ پِيشِ از زَرَدَشْتِ بُودَنْدِ كَه اَنْدَرِ دِينِ مَزْدِيسْنِ نَامِ گَفْتَه نِيَسْتَنْدِ (نَامِشَانِ گَفْتَه نِشَدَه اَسْتِ); چَه پِيدَا اَسْتِ گَاهِبَهْ گَاهِ از مِينُويَانِ اَنْدَى پِيشِ تِر اَز او هَمَانَا آَمَدَنْدِ، بِرَايِ پَاسْخِ پِرسْشِ آَنْ چَه مَرَدمِ خَواستَارِ بُودَنْدِ، آَنْ گَونَهِ كَه اَكْنُونِ خَواستَارِ پِرسْشِ دَرْبَارَهِ دِينِ هَسْتَنْدِ. آَنْ زَمَانِ، آَنْ بَايِسْتَهِ بُودِ وَ اَكْنُونِ نَبَيِّدِ؛ چَه هَمَهُ مَرَدمِ از طَرِيقِ دِينِ، آَگَاهِ شَدَهِ اَنْدَهِ». ^{۱۲}

رابطه‌ای را که میان متن‌های مانوی و پهلوی هست، اکنون نمی‌توان تعیین کرد و نمی‌توان این احتمال را نادیده گرفت که سُنتِ پهلوی از سُنتِ مانوی تأثیر پذیرفته بود (*Skjærvø, "Irano-Manichaica I-II"*).

افترازَنَدِ گَانِ

اگرچه در گذشته دین از طریق پیامبران معرفی و منتشر شده، پایی‌دار نمانده است. مطابق با نظر مانی، علت آن این بوده است که به پیامبران افترا زده شده و آموزه‌های آنان تحریف شده است. نه تنها هر پیامبری تهمت زننده خود را دارد؛ بلکه هر دینی نیز عوامل نابودی خود را داشته است. فهرست‌ها از پیامبران، مُفترَهای آنان و تحریف‌گُنَنَدِ گَانِ دین‌ها، هم در نوشته‌های مانی و هم در نوشته‌های دوران بعد درباره مانویت وجود دارد.

در متن پارتی (171-173: 34-36; Boyce, 1975: *Mir. Man.iii*) مخالفت عمومی با مکاشفه را می‌بینیم و به ما گفته شده است که زردشت به سرزمین پارس آمد، راستی را گسترش داد و نفس انسان‌ها را حفظ کرد؛ اما اهربیمن از آن آگاه شد، دیوها و خشم را به سوی او فرستاد و راستی را تحریف کرد. آن‌چه را بیش‌تر مانی گرفت و گسترش داد، احتمالاً داستان خیانت یهودا به عیسی است

که خود مانی از او [عیسی] متأثر بوده است. این داستان به خوبی این سنت را بازتاب می‌دهد. فهرستی کامل از مقتрی‌ها و نابودگران در یکی از متن‌های سعدی یافت شده است (Henning, 1944: 138, 141):

(24)... rt̄yw δβtykw 'psypw (25) w'β'kw 'yw Z'm'spw wm't ky ZY prw (v 26) 'z-r'wšcw psypw wytwδ'rt̄y rt̄yw Nksyntr (27) MLK' ky ZY mwyz-tw 'kδ'rt̄y rt̄yw Kwγ-wn'kw (28) ZK 'tδrmnw z-t'k ky ZKw mwγ'nch δynh (29) nštwδ'rt̄y ^{oo}:

«و دومین مقتری جاماسب بود که به زردشت (Zrušč) دروغ بست و اسکندرشاه که مُخ را کُشت و کُوغونی (Kūγūnē)، همزاد اهريمن که دین مُغانی را از میان بُرد». ^{۱۳}

در سنت ایرانی روایت زردشتی، مفهوم هر دو واژه ویران‌کننده و ارتقاد‌هنده دین، ^{۱۴} در دین‌کرد هفتم (*Dēnkard* 7. 7: 3-6) یافت می‌شود:

(3) wāwarīhistan-iz ī ān ī abar xwadāyān ud dastwarān nām čiyōn andar zamānagīhā ud āwāmīhā ī pas pas ō ārāstārān ī dēn ud gēhān rasēnd ud sāstār-iz ī ahломоy ī andar āwām āwām ō wišuftārīh ī dēn ud xwadāyīh ud gēhān padīd paydāg madan padīd hēnd. (4) čiyōn az xwadāyān Wahman ī Spanddādān ī-š andar Abestag ēn-iz abar gōwēd kū Wahman ī rāst ī hanjaman-kerdārtom az māzdēsnān. (5) ud az dastwarān Sēn čiyōn-iš ēn-iz abar gōwēd kū ē-sad sālag bawēd dēn ka Sēn zāyēd ud dō-sad sālag ka be widerēd ān-iz frādom māzdēsn ē-sad sālag ā-š bawēd kē pad ē-sad hāwištīh frāz rawēd abar ēn zamīg. (6) az wišuftārān Aleksandar čiyōn-iš andar dēn ēn-iz gōwēd kū ē ān ī ham-ayābag zamēstān oy ī xešm abar pad Āz dāmān nigānīhā mar kunēd ī dušxwarrah Aleksandar:

«و نیز باورداشتن نام خدایان (فرمان‌روایان) و دستوران که اندر زمان (در طول زمان) و روزگاران بعد، برای آراستاری دین و جهان برسند و نیز ساستاران آشもうغ (جباران بدعت‌گذار) که اندر روزگاران برای آشفتگی دین و خدایی جهان پدید آیند. چنان که از خداوندگاران، بهمن اسفندیاران (بهمن پسر اسفندیار) که درباره او اندر/وستا این را نیز گویند که: بهمن راست‌انجمان‌کردارترین مزدیسان است (یعنی مزدیسان را بهتر از همه گرد هم جمع کند) و از دستوران سین که درباره او این را نیز گوید که: دین یک‌صد ساله باشد که سین بزاید و دویست سال که بگذرد و نیز او نخستین مزدیسن یک‌صد ساله باشد که با یک‌صد شاگرد بر این زمین فراز رود. از آشفتاران (آشفته‌کنندگان) اسکندر که درباره او اندر دین گوید

که او با زَمَستان هم دریافت است. او که چون خشم است در میان آفریدگان آز، پنهان بدی کند؛ آن اسکندر دُش فرهه».

این جا با قضیّه تقدّم متنی رویه رو می‌شویم که اکنون حل ناشدّنی است. هم‌چنین، باید به این مسأله توجه کنیم که این مسأله از زاویه دیدِ خوانندگان چه‌گونه است، این که مطابق با تاریخ طبری (tr. IV, 46-47)؛ به پندار جمعی از دانشمندان اهل کتاب در فلسطین، زردشت با استادش، عزیز [از زاهدان یهودی که از مردم بُریده بود و در دلِ دره‌ها و بیایان‌ها تنها می‌رفت و کارش گریه بود]، مخالف شده بود و عزیز او را دعای بدد کرد و او پیس شد.

کتابِ غولان

آغاز حکومتِ غولان بر روی زَمَین، به کوتاهی در کفالا یا (92: 24-31) گزارش شده است (پسنجدید: 71: 1943)؛ دیدبان‌ها، اگریگرویی (Egregoroi) اساساً در دیدبان‌گاه شهریار افتخار بودند که دومین پسر از پنج پسرِ روح زنده است؛ اما «به زَمَین فرو آمدند. آن‌ها [غولان] همه گونه کار شریرانه انجام دادند. آنان هنر را بر جهانیان گستردند و رازهای بهشت را بر انسان آشکار کردند. طغيان و ویرانی به زَمَین فرا رسید». دویست دیو به زَمَین آمدند (1 Enoch 6:6, 146 n. 1992: 141) که سپس‌تر چهار فرشته آن‌ها را مغلوب کردند. این و رُخدادهایِ برآمده از آن، در بسیاری از قطعه‌هایِ بهجای‌مانده در روایت‌های ایرانی کتابِ غولان آمده است. برای اهدافِ مطالعهٔ کنونی، بیش‌تر آثارِ بر جای‌مانده‌ای را که در بردارنده درون‌مایه‌های ایرانی نبوده است، کنار گذاشته‌ام. تشخیص‌دادن این که چه اندازهٔ /خنوخ/ اول و کتابِ غولان بر اساس آثارِ ادبی بر جای‌مانده ایرانی و آرامی با هم مطابق یا متفاوت هستند، بسیار دشوار است. مطالعه‌ای که جی. سی. ریوس (J. C. Reeves) انجام داده است، نشان می‌دهد که به احتمال بیش‌تر بخش‌هایِ آثارِ بر جای‌مانده، با /خنوخ/ اول مطابقت داشته است و به آشکار مشخص است که آثار ایرانی و تُركی و قبطی نیاز به بررسی‌یی تازه دارد. اگرچه چنین پژوهشی این جا انجام نمی‌شود.